

خط اعتماد
<div>etemaadline@etemaad.com</div> <div>۰۳۶۶ ۲۲۸۶</div>

صریح و **مقتدر** باشد: به نظر من آقای موسوی در مناظره‌هایشان خیلی محبوب عمل کردند و باید صریح تر و با اقتدار بیشتری عمل می کردند.

یک هموطن

◄ مرد روزهای سخت : می‌خواستم به آقای مهندس میرحسین موسوی بگویم ای مرد روزهای سخت و باور امام آفرین بر شجاعت و اقتدارت، حق را بگو اگرچه تلخ است. ما نسل اول انقلابی‌ها فراموشتم نمی کنیم.

یک هموطن

◄ یک سوال از ستاد انتخابات کشور : می‌خواستم بدانم آیا امکان دارد در روز انتخابات با خودمان نماد سبز را به حوزه‌ها ببریم یا این کار غیرقانونی است؟

شهروندی از مشهد
اعتماد: پاسخ این سوال را باید ستاد انتخابات کشور بدهد.
سهم ایران در دریای خزر : چرا آقایان که مناظره می‌کنند راجع به سهم ایران در دریای خزر و مساله خلیج فارس هیچ بحثی نمی‌کنند و اهمیت آن را مورد تأکید قرار نمی‌دهند؟
عزت کشور ما در این دو نقطه حساس باید همیشه حفظ شود و هیچ مساله سیاسی این چیزها را تحت الشعاع خود قرار ندهد.

یک هموطن

◄ پیروزی با فرزندان انقلاب : سال‌ها پیش در انقلاب فرانسه داتون گفت انقلاب فرزندان خود را می‌خورد.

اعتماد: ان‌شاه‌الله در انقلاب ما بالاخره پیروزی با فرزندان انقلاب خواهد بود.

◄ هزینه‌های تبلیغاتی : راجع به هزینه‌های انتخاباتی خواستم بگویم یکی از کاندیداها الان در شهر قم در یکی از تالارها میلیون‌ها تومان هزینه کرده و از مردم همراه با تبلیغات گسترده و تخریب بقیه کاندیداها پندبازی می‌کند. احمد از قم
◄ ما پنج گل اضافه برنیم : آتقدر باید با قدرت در انتخابات شرکت کنیم که اگر دو پانتهی هم به نفع آنها گرفتند ما پنج گل اضافه تر زده باشیم.

یک هموطن

◄ پادش بازنشستگی چه شد؟
معاونت نیروی انسانی راهبردی گفت تمام مطالبات و پاداش فرهنگیان پرداخت شده است. من به عنوان یکی از فرهنگیان هنوز پاداش بازنشستگی خود را نگرفته‌ام.

فرهنگی از شهریار

◄ بدحجابی حالا بدتر است : همیشه می‌گفتند زمان آقای خاتمی بدحجابی بیشتر بوده است در صورتی که الان که وضع جامعه را می‌بینیم متوجه می‌شویم بدحجابی خیلی بدتر شده و آن هم به خاطر این است که باید از لحاظ فرهنگی کار شود.

یک هموطن

◄ یک سوال ساده : خواستم بپرسم ما به چه کسی باید اعتماد کنیم؟

یک هموطن

◄ نام نیک رفتگان ضایع مکن : می‌خواستم از طرف من بنویسید همان استاد ادبیات ایران که می‌فرماید بنی آدم اعضای یکدیگریزند و این سخنش را بر سررد سازمان ملل زده‌اند، همان شخص فرموده‌اند: نام نیک رفتگان ضایع مکن تا بیامند نام نیکت ماندگار. ادب مرد به ز دولت اوست.

مقدم از قزوین

◄ می شد جنرال موتورز را خرید : در خیابا آمده بود جنرال‌موتورز به قیمت ۶۰ میلیارد دلار به خیرا دهندگان امریکایی واگذار می‌شود. می‌خواستم بگویم با وجود درآمد نفت می‌توانستیم بزرگ‌ترین کارخانه تولید ماشین را که شپتاید مختلف و زیومجموعه‌های مختلف دارد در جهان خریداری کنیم و خودمان یکی از صادرکنندگان ماشین در سرتماز دنیا شویم و ایران را از این صنعت مونتاژکاری ماشین که عقب‌مانده هم هست نجات دهیم.

یک هموطن

◄ تیراژ را دو برابر کنید : در روز یکشنبه ساعت ۳/۰۰ صبح برای تهیه روزنامه به کیوسک‌ها رفتم و پس از مراجعه به چند کیوسک در حوالی سیندخندان به سختی روزنامه‌های اعتماد، اعتماد ملی و اندیشه نو در هیچ‌یک از کیوسک‌ها موجود نبودند. می‌خواستم از روزنامه‌های اصلاح‌طلب تقاضا کنم در دو سه روز باقیمانده تا انتخابات با توجه به حساسیت و توجه بیشتر مردم به مسائل سیاسی تیراژ خود را حداقل دو برابر افزایش دهند تا در این شرایط فقر رسانه‌یی، تعداد بیشتری از مردم بتوانند با مواقع اصلاح طلبان آشنا شوند.

شهروندی از تهران

◄ تیراژ را بیشتر کنید : لطفاً در این چند روز تیراژ روزنامه را بالا ببرید چون ره‌ز در شمال و مرکز شهر می‌گرم ساعت ۱۰ به بعد روزنامه را پیدا نمی‌کنم.

◄ ۲ میلیارد اس‌ام‌اس یعنی . . .
در مورد ۲۰ میلیارد تومانی که گفتند دست‌ان آقای کرویی می‌خواستند خرج اس‌ام‌اس کنند من حساب برآورگش کردم که اگر در فائینه حدود ۱۰۰ اس‌ام‌اس برزند ۳۰ سال طول می‌کشد این اس‌ام‌اس‌ها به دست مردم برسند و اگر هر اس‌ام‌اس را ۱۰ تومان حساب کنید دو میلیارد تومان خرج آن می‌شود و به تمام ملت ایران و مرغ و خروس‌ها با گاو و گوسفند‌ها هم که اس‌ام‌اس برزند ۲۰ میلیارد نمی‌شود. لطفاً این را در یک گزارش برای مردم روشن کنید.

شهروندی از تهران

اعتماد: آقای کرویی اعلام کرد کل مبلغی که قرار بوده است در این رابطه با مخابرات قرارداد بسته شود هفت میلیون تومان بوده است.

◄ استفاده از اموال عمومی برای تبلیغات : سه شبیه پیش به مسجد مقدس جمکران رفته بودیم و در آنجا اتوبوسی را دیدیم که متعلق به شرکت واحد بود و روی آن پوسترهای . . . را چسبانده بودند و مدعی می‌بود برای ایشان تبلیغات می‌کردند. می‌خواستم بدانم آیا یک کاندیدا می‌تواند با اموال عمومی و در مکان‌های مذهبی تبلیغات کند؟

جلالی از نطنز

◄ جمع آوری روزنامه اعتماد : مثل اینکه روزنامه‌تان در این چند روز اخیر خوب توزیع نمی‌شود چون من هر روز ساعت هشت صبح به دک‌ها می‌روم و روزنامه‌تان را پیدا نمی‌کنم، مشکوک شده‌ام که عدیه‌ای آن را یکجا می‌خرند یا جمع آوری می‌کنند.

شهروندی از تهران

اعتماد: بعدم نمی‌تست، ولی به نظر ما این روزها استقبال خوانندگان از مطبوعات زياتر شده است و به همین جهت اغلب نشریات پیش از ظهر به فروش می‌رسند.

انتخابات در کشور ما از ویژگی‌های خاصی برخوردار است که با کشورهای دیگر قابل مقایسه نیست. هر دوی‌با شرایطی روبه‌رو می‌شویم که با دوره‌های گذشته کاملاً متفاوت است. مساله ایجاد تازهی می‌دهد. اما پیچیدگی‌های سیاسی فرهنگی و ساختار اجتماعی ایران به این مساله ایجاد تازهی می‌دهد. اما آنچه بیش از همه نیاز جامعه ماست بازخوانی تجربه‌های گذشته رسیدن به یک مدل بومی است. یا این رویکرد به گفت‌وگو با مسعود میری نستیم که از سرزمین سیستان و بلوچستان برخاسته و تجارب زیادی در برگزاری انتخابات در آنجا دارد. او که دوره اصلاحات در مجموعه معاونت مطبوعاتی ارشاد مشغول به کار بود و در طول این سالیان همواره در عرصه فرهنگی و اجتماعی فعال بوده است و در حوزه شعر و ادب نیز دستی دارد در این گفت‌وگو از تجربیات و مشاهدات خود می‌گوید.

–انتخابات در کشورهایی که احزاب فعال دارند و دموکراسی در آنها نهادینه شده است، دارای ساز و کارهای تعریف شده و مشخصی است. با نظرسنجی‌های پیشینی همه چیز قابل پیش‌بینی است. اما در کشور ما پیچیدگی‌های خاصی برخوردار است که نتیجه آن قابل پیش‌بینی نیست. در هر انتخابات ما با وضعیتی غیرمعمول مواجه می‌شویم. اکنون می‌خواهیم تجربه‌های گذشته را

بازخوانی کنیم، شاید به قانونمندی‌های آن تا حدی پی ببریم. یکی از مسائل نحوه تصمیم‌گیری و رای دادن مردم است به خصوص در بخش‌هایی از کشور که بافت سنتی تر دارد یا مناسبات قبیلگی حاکم است. شما در این رابطه چه مشاهدات و تجربه‌هایی دارید؟

اولین تجربه من در انتخابات محلی به دوین یا سومین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی برمی‌گردد. در آن دوره من هم مثل همه جوان‌های دیگر دیدگاه‌های روشنفکرانه‌یی داشتم که نزدیک به این عرصه‌ها را خیلی مطلوب نمی‌شمرد. ولی در همان موقع شاهد یک نقطه‌ عیب بودم. بسیاری از دوستان روشنفکر ما که اصلاً در انتخابات سراسری ریاست جمهوری مشارکتی نمی‌کردند، در انتخابات محلی کاملاً فعال می‌شدند. مثلاً برای انتخابات مجلس شورای اسلامی می‌شورای شهر برای کاندیدایی فعالیت می‌کردند. این مساله از آن موقع تا الان هنوز هم هست. این دوگانگی رفتاری به نگاه قومی که در جامعه ما رسوخ دارد، برمی‌گردد. به نظر من اگر بخشی از تحریم‌ها پایه ملی داشته باشد، اغلب گریز از تحریم‌ها پایه قومی دارد. در اغلب نقاط ایران شما با یا ترکیب قومی مواجه هستید یا با شهرنشینی ویژه قومی که می‌شود آنها را نوعی شبه‌قوم به شمار آورد. مثلاً در اصفهان، اصفهانی‌ها قوم نیستند ولی یک شبه‌قوم هستند. وابستگی شان کم از تعصب قومی نیست. قدرت و کارکردش بسیار قوی‌تر از کارکرد قومی است. دوران جنگ در مناطق جنگی اصفهانی‌ها از قوی‌ترین شهرهایی بودند که نسبت خوبی را به هم برقرار می‌کردند یا مثلاً در جهاد اصفهانی‌ها بسیار فعال بودند. نمونه‌اش را شما در قزوینی‌ها هم دارید. الفت‌های درونی همشهری‌گری که دارند کارکرد قومی دارد. از این جهت با دو ساختار کاملاً متناقض اما در باطن با هم سازگار روبه‌رو هستیم. با این تجربه‌ها کاندیدایی دارد که در سطح ملی عمل می‌کند. فرهنگ ملی که مدعی هستیم هنوز شکل کاملی به خود نگرفته است. من سیستانی یا بلوچ یا کرد یا ترکمن در انتخابات مجلس شورای اسلامی یا در انتخابات شورای شهر یاد چیزی به اسم تحریم ملیت می‌پردازم و مدام آن را به رخ می‌کنم. روی این باید تأمل ویژه‌ی بشود. از مشروطه تاکنون هنوز نتوانسته‌ایم ساختار ملی، نگاه ملی و فرهنگ ملی را در یک مسیر واحد نهادینه کنیم.

شاید لیلش این باشد که منافع شهری و قومی ملموس‌تر از منافع ملی است. در کشورهای غربی منافع ملی تعریف‌شده‌تر و متعین‌تر است. اما اینجا اختلاف دیدگاه و سلیقه‌ها در تشخیص منافع ملی دخالت زیادی دارد. کشورهای غربی هم همین مساله را دارند. آنها این را با هم می‌فهمند چون بیشتر درگیر مطالبات خودشان هستند. ایرانی‌با این تجربه‌های ملیت‌مندی می‌پردازد و مدام آن را به رخ حکومت می‌کشد چون در مقابل آنچه می‌دهد چیزی درآوردن خیلی زحمت نمی‌کشم به نظر می‌رسد کمتر باید مسئله‌محور باشیم اما هستیم. ما من حرف دیگری دارم، پس از اسلام تا دوره مشروطه نگاه ما جست وجوی ملیت نبود. از مشروطه به این طرف جست وجوی ملیت را داریم ولی به آن نمی‌رسیم. به همین دلیل است که هنوز قوم‌گرایی و بدرفتاری‌ها در این عوالم می‌بیند دو طرف یکی هستند. در سیستان و بلوچستان ما در کل استان بحث سیستانی‌ها و بلوچ‌ها دارد اما در این بحث بین سیستانی‌ها و دامنه‌دارای هم نیست. شاید همین صد ساله به ریشه آمده باشد. پیش از آن آن تفکیک وجود نداشته است. ما کم‌کم ناگزیر شدیم برای سهم خواهی‌هایمان به هم پیوسته‌تر شویم و ارتباط بیشتری پیدا کنیم. اما نکته اساسی این است که همان آدمی که در انتخابات شورای شهر یا مجلس شرکت می‌کند در انتخابات سراسری شرکت نمی‌کند. اگر با نظام و حاکمیت مشکل دارد، نباید در هیچ یک شرکت کند. باید اینجا تأکید کنیم. من معتقدم اگر روشنفکران ما به این موضوع فکر می‌کردند دچار چنین نوساناتی نمی‌شدیم.

دوره‌های اول انتخابات جدال چپ و راست در ایران بود. آن موقع آرمان‌های سوسیالیستی قوی بود. قانون بند (ج) قانون اراضی شهری بسیار اهمیت داشت. در زمان خودش شعارهای مدنی بود. ما فکر می‌کردیم این شعارها اگر اجرا شود تحولات شگرفی صورت خواهد گرفت. در انتخابات دوره اول من کم بود و به جز پوستر چسباندن و شرکت در جلسات و اعتراض حرفی نداشتم ولی در روابط با خودش ما یک روحانی جوان را برای مجلس کاندیدا کردیم که خیلی از مطالبات ما را بیان می‌کرد. دوستانی که در آن دوره در انتخابات شرکت کردند بعدما اغلب‌شان جسته تحریم‌ها شدند و این دوره همه جزیه‌خوهری‌ها هستند.

–حوزه تحت نفوذ و سازماندهی کاندیداها چه بود؟
یک سازماندهی سنتی و کلاسیک وجود داشت. قبایل، خوانندگان از مطبوعات زیادتز شده است و به همین جهت اغلب نشریات پیش از ظهر به فروش می‌رسند.

سییاسی

گفت‌وگو با مسعود میری

زیر پوست انتخابات

مهدی غنی



عکس: آیدین رهبر

نمود. وابستگی عشیره‌ی مهم بود. به نظر من انتخابات شوراها در مناطق عشیره‌ی یا قومی مدلی برای اجرا ایجاد می‌کرد که همان مدل مدرن شده در فضای ملی می‌تواند ایجاد شود تا مفهوم مطالبه‌محوری محقق شود.
–منظورناتان این است که منافع عشی و مشخص به جای منافع الزتواری و آرمانی محور قرار گیرد؟
دیفاً. مثلاً کاندیدا می‌گفت اگر به من رای بدهید این بخش را به شهر تبدیل می‌کنم. اینجا را اسفالت می‌کنم. این جاده را می‌زنم. افراد فامیل یا قبیله هم می‌آمدند گوش می‌کردند و می‌رفتند. آنها مطالبه‌های روزمره خود را داشتند. بزرگ فامیل هم نقش تعیین‌کننده داشت. اخیراً جایگاه‌ها عوض شده. حالا مدتی است که روحانیت محلی این کار را انجام می‌دهد. در بعضی از شهرها مثلاً در سیستان می‌بینیم حتی روشنفکران در راس قوم نشسته‌اند و دارند شورایی عمل می‌کنند. یعنی دیگر مثل گذشته نیست که یک فرد تصمیم بگیرد. چهار نفر، پنج نفر، ۱۰ نفر تصمیم می‌گیرند. البته در مناطق مختلف شکل مناسبات متفاوت دارد. در سیستان بیشتر فامیل داریم نه عشیره. درحالی که مناطق غرب ایران با کوچ‌روها بیشتر عشیره‌ی هستند. در مناسبات عشیره‌ی همه گروه‌ها و آدم‌ها هم از روشنفکر و راست و چپ، و پیر و جوان‌هم از زن و مرد مشارکت می‌کردند. اول رای خوبی بیارود ولی در مرحله دوم باحث برای اینکه آن طرف از محدودی زن‌سالاری است. آنها با سفره ابوالفضل و امثال آن نوعی ارتباط عاطفی برای پارگیری ایجاد می‌کردند. البته جنس پارگیری مثل امروز نبود که بیشتر اقعایی باشد. رودریاستی، قول گرفتن، سر سفره نشستن و . . . تأثیرات زیادی داشت ولی کم‌کم مطالبه‌محوری غلبه پیدا کرد.

–منافع تبلیغات هم در آنجا تأثیر داشت یا صرفاً همان مناسبات سنتی عمل می‌کرد؟
در همان انتخابات اتفاق جالبی افتاد. دوست روحانی ما که کاندیدا بود به دور دوم رفت. در دور اول ما به روستاها رفتیم و چهره به چهره با جوان‌ها برخورد کرده آنها را بسپج کردیم. این روش باعث شد آن دوست روحانی ما در مرحله اول رای خوبی بیارود ولی در مرحله دوم باحث برای اینکه آن مدل موفق را دیگر استفاده نکرد. به روش‌های سنتی برگشت در حالی که وقتی در مرحله اول از مدل مدرن استفاده می‌کنی و موفقیتی به همراه می‌گیری باید از همان مدل استفاده کنی. چند تن از دوستان به این‌ها گفته بودند فضا را مساعد نمی‌بینیم، گوش‌گذاشته خوب بود. کاندیدای ما گفته بود بزرگان قوم آمده‌اند و دستار خودشان را زمین زده و گرو گذاشته‌اند. گرو گذاشتن دستار یعنی همه حیثیت طرف، مثل تار سیبل پهلوانان! در حالی که همان آرمانی که صله و دستار خودشان را گرو گذاشته بودند رایشان را برآوردن جای دیگر. در انتخابات محلی که فامیل‌ها نقش دارند، کسانی از طرف آن قوم و قبیله و فامیل می‌آیند و اظهار همراهی می‌کنند. حتی آمار رای اطرافیان‌شان را می‌دهند. معمولاً جمع آوری که که افراد اعلام می‌کنند دو تا سه برابر جمعیت کل آن شهر است. در آنجا هرکس آمار رایش کلان‌تر و انبوه‌تر باشد به همان اندازه کلان‌تر و انبوه‌تر مطالبه می‌کند. لذا در این مناسبات امکان خطا زیاد است.

–ولی باز همین مناسبات حفظ شده و افراد همچنان به آن متکی‌اند، چرا؟
این نکته ظریفی است. ساختار قبیله‌یی و قومی به این راحتی حذف شدنی نیست چون کارکردش درمجموع مثبت است. وجود عاطفی‌اش ثابت می‌کند. اگر با نگاه منفی وارد این مناسبات شوی او هم انرژی منفی به تو می‌دهد. به محض اینکه با نگاه مثبت می‌روی باخوردند را می‌بینی. می‌توانی تغییر ایجاد کنی. می‌توانی اتفاقاً آنها هم عقب‌مانده و وابس‌گرا نیتند. زنان آنها کنار تک‌تک مردها می‌ایستادند کار می‌کردند، تصمیم می‌گرفتند. مناسبات فامیلی و عشیره‌یی نقش فردی‌راتا به رسمیت می‌شناخت، در عین حال در بزرگ کردن و مطرح کردن‌تأثیرگذار بود. اگر من تهران زندگی می‌کردم ممکن بود هیچ وقت به تلویزیون‌راه نمی‌یاقتم ولی به خاطر مناسبات آنجا در تلویزیون و رادیو برنامه اجرا کردم، شعر می‌خواندم.

فرد در آن مناسبات نقش وجودی می‌یابد. حس پیدا می‌کند. حتی پس از سال‌ها دوری از آن روابط با خودش را آنجا می‌یابد. قوم واقعیت دارد. اما یک واقعیت دیگر هم هست که در ایرانی در چارچوب چترافزای فرهنگی این سرزمین تصمیم می‌گیرم. ما تصمیم گرفته‌ایم و می‌خواهیم با هم باشیم. چون در دوره قاجار قبل از مشروطیت بهترین فرصت بود که هر کسی ساز خودش را بزند ولی نذیم. اشکال کار اینجاست که با وجود اینکه تصمیم گرفته‌ایم یکی باشیم نمی‌خواهیم برای تصمیم‌مان هزینه کنیم. وقتی می‌خواهیم رئیس‌جمهور انتخاب کنیم غلبه مطالبات قوم‌محور آتقدر زیاد مشکلی نیست. مناسبات قبیله‌یی و قومی به این راحتی حذف شدنی نیست چون کارکردش درمجموع مثبت است. وجود عاطفی‌اش ثابت می‌کند. اگر با نگاه منفی وارد این مناسبات شوی او هم انرژی منفی به تو می‌دهد. به محض اینکه با نگاه مثبت می‌روی باخوردند را می‌بینی. می‌توانی تغییر ایجاد کنی. می‌توانی اتفاقاً آنها هم عقب‌مانده و وابس‌گرا نیتند. زنان آنها کنار تک‌تک مردها می‌ایستادند کار می‌کردند، تصمیم می‌گرفتند. مناسبات فامیلی و عشیره‌یی نقش فردی‌راتا به رسمیت می‌شناخت، در عین حال در بزرگ کردن و مطرح کردن‌تأثیرگذار بود. اگر من تهران زندگی می‌کردم ممکن بود هیچ وقت به تلویزیون‌راه نمی‌یاقتم ولی به خاطر مناسبات آنجا در تلویزیون و رادیو برنامه اجرا کردم، شعر می‌خواندم.

فرد در آن مناسبات نقش وجودی می‌یابد. حس پیدا می‌کند. حتی پس از سال‌ها دوری از آن روابط با خودش را آنجا می‌یابد. قوم واقعیت دارد. اما یک واقعیت دیگر هم هست که در ایرانی در چارچوب چترافزای فرهنگی این سرزمین تصمیم می‌گیرم. ما تصمیم گرفته‌ایم و می‌خواهیم با هم باشیم. چون در دوره قاجار قبل از مشروطیت بهترین فرصت بود که هر کسی ساز خودش را بزند ولی نذیم. اشکال کار اینجاست که با وجود اینکه تصمیم گرفته‌ایم یکی باشیم نمی‌خواهیم برای تصمیم‌مان هزینه کنیم. وقتی می‌خواهیم رئیس‌جمهور انتخاب کنیم غلبه مطالبات قوم‌محور آتقدر زیاد مشکلی نیست. مناسبات قبیله‌یی و قومی به این راحتی حذف شدنی نیست چون کارکردش درمجموع مثبت است. وجود عاطفی‌اش ثابت می‌کند. اگر با نگاه منفی وارد این مناسبات شوی او هم انرژی منفی به تو می‌دهد. به محض اینکه با نگاه مثبت می‌روی باخوردند را می‌بینی. می‌توانی تغییر ایجاد کنی. می‌توانی اتفاقاً آنها هم عقب‌مانده و وابس‌گرا نیتند. زنان آنها کنار تک‌تک مردها می‌ایستادند کار می‌کردند، تصمیم می‌گرفتند. مناسبات فامیلی و عشیره‌یی نقش فردی‌راتا به رسمیت می‌شناخت، در عین حال در بزرگ کردن و مطرح کردن‌تأثیرگذار بود. اگر من تهران زندگی می‌کردم ممکن بود هیچ وقت به تلویزیون‌راه نمی‌یاقتم ولی به خاطر مناسبات آنجا در تلویزیون و رادیو برنامه اجرا کردم، شعر می‌خواندم.

فرد در آن مناسبات نقش وجودی می‌یابد. حس پیدا می‌کند. حتی پس از سال‌ها دوری از آن روابط با خودش را آنجا می‌یابد. قوم واقعیت دارد. اما یک واقعیت دیگر هم هست که در ایرانی در چارچوب چترافزای فرهنگی این سرزمین تصمیم می‌گیرم. ما تصمیم گرفته‌ایم و می‌خواهیم با هم باشیم. چون در دوره قاجار قبل از مشروطیت بهترین فرصت بود که هر کسی ساز خودش را بزند ولی نذیم. اشکال کار اینجاست که با وجود اینکه تصمیم گرفته‌ایم یکی باشیم نمی‌خواهیم برای تصمیم‌مان هزینه کنیم. وقتی می‌خواهیم رئیس‌جمهور انتخاب کنیم غلبه مطالبات قوم‌محور آتقدر زیاد مشکلی نیست. مناسبات قبیله‌یی و قومی به این راحتی حذف شدنی نیست چون کارکردش درمجموع مثبت است. وجود عاطفی‌اش ثابت می‌کند. اگر با نگاه منفی وارد این مناسبات شوی او هم انرژی منفی به تو می‌دهد. به محض اینکه با نگاه مثبت می‌روی باخوردند را می‌بینی. می‌توانی تغییر ایجاد کنی. می‌توانی اتفاقاً آنها هم عقب‌مانده و وابس‌گرا نیتند. زنان آنها کنار تک‌تک مردها می‌ایستادند کار می‌کردند، تصمیم می‌گرفتند. مناسبات فامیلی و عشیره‌یی نقش فردی‌راتا به رسمیت می‌شناخت، در عین حال در بزرگ کردن و مطرح کردن‌تأثیرگذار بود. اگر من تهران زندگی می‌کردم ممکن بود هیچ وقت به تلویزیون‌راه نمی‌یاقتم ولی به خاطر مناسبات آنجا در تلویزیون و رادیو برنامه اجرا کردم، شعر می‌خواندم.

سییاسی

گفت‌وگو با مسعود میری

زیر پوست انتخابات

مهدی غنی

قدرت بیشتر داده‌یی حالا برای اینکه تعدیلش کنی زوروت می‌آید. خودت زمانی که می‌خواستی رای بدهی مطلقش کردی. به نظر من ما دچار یک مشکل اساسی هستیم. باید روی یک نقطه متعادل باشیم. اما گاهی این سو می‌اقبتم مساله ایجاد تازهی می‌دهد. عبارت مطالبه‌محور عبارت تشنگی است اما بدآموزی هم دارد. نباید بگوییسم مطالبه‌محوری مبتنی بر شرایط، مناسبات و واقعیت‌ها. ما دو تا دعوا داریم سر مسائل سیاسی خاص که برایش باید کارکرد ایجاد کنیم. باید یاد بگیریم کسی که این قدرت را دارد و ما موقوف نیستیم، فردا اگر آن قدرت نباشد ما باید موافق شویم. اگر گله‌مند هستیم که مذهب دارد همه نقش‌ها را بازی می‌کند، نمی‌توانیم مطلقاً آن را نفی کنیم. لگد می‌زنیم به انرژی مثبتی که به من کمک می‌کند. چیز منفی وجود ندارد. باید یاد بگیریم چه جوری با آن برخورد کنیم. ما دو عرصه داریم. یک عرصه مطالبات روزمره و وابسته به زیست اولیه من است که نان و آب و مسکن و خیابان و کوچه و بازار من است. تا این مسائل به طور متعادل حل نشود بقیه مطالبات هم محقق نمی‌شود. اگر مطالبات قومی ما آرام‌آرام و طبیعی رشد نکنند مطالبات ملی ما هم رشد نمی‌کند. اگر یک قوم رشدیافته باشیم ملت رشدیافته هم داریم. ما باید یاد بگیریم مطالبات قومی خودمان را در این انتخابات آرام‌آرام طرح و

دنبال کنیم. ما تجربه تلخی در سیستان و بلوچستان داریم، که به دلیل وابستگی ما باید آن‌را بگویم. کمتر از صد سال است که جنوب خراسان درگیر داریم یعنی جدال میان سیستانی‌ها و بیرجندی‌ها. جالب اینجاست که کسی از خودش نپرسیده است اصلاً این جدال از کجا شروع شده، برای چی شروع شده، کی شروعش کرده‌است. ریشه‌اش را می‌کاری، می‌بینی می‌شوند. توجه نداریم برخی مطالبات جایش انتخابات شوراها و مجلس است، اما در ریاست‌جمهوری باید به وجه کلان قضیه نگاه کنیم. با یک نگاه ملی اقوام باید هویت خودشان را حفظ کنند. درحالی که گاهی به محض اینکه انتخابات می‌شد هویت قومی برجسته‌تر از هویت ملی می‌شد. خیلی مطلق می‌شد.

یعنی شما می‌گویید مطالبات قومی سر جای خودش و منافع ملی در جای دیگری تعقیب شود.

هر کدام نقشی دارند. اگر این نقش‌ها با هم خلط نشوند مطمئن باشید سر چیزی دعوا نمی‌کنیم. مثال خانواده‌ها برنم. در ساختار فامیلی و عشیره‌ی مردها خیلی نمی‌توانند زور بگویند. خیلی هم نمی‌توانند زور بکشوند. در ساختار عشیره‌ی مردها به ظاهر قلدر می‌آیند اما در آنجا زن هم همان قدر قدرت دارد. هنجارهای خاص خودش را دارد. هویت قومی و هویت ملی هم می‌توانند این همزیستی را داشته باشند. ولی هر دو هویت ملی من گاهی می‌شود. همین کاندیداهاى مطرح ریاست‌جمهوری یکی از منطقه خوزستان و عشایر آنجاست، یک ترک و آذری است و دیگری لر است. ما متوجه این نکته نیستیم. همان طور که در امریکا اکثریت ما یهود سیاهپوست اقلیت را برمی‌گزینند، در اینجا هم یک دوره ترک می‌آید، یک دوره لر می‌آید، می‌تواند یک دوره هم بلوچ بیاید. این فرصت نسبتاً وجود دارد یعنی اقوام می‌توانند نقش ملی بازی کنند. برای ایجاد این نقش روشنفکران و نخبگان ما باید حداقل پنج تا ۱۰ سال کار کنند. باید به نقش‌های ملی که هویت قومی ما می‌تواند بازی کند توان بدهند. این نقش‌ها هم است. درسی ما گاهی نقش‌های فرامشغله‌یی داریم که آنها را هم از دست می‌دهیم. ما مناسقات قومی‌زبان منطقه‌ای ما را در انتخابات هیچ دخالت نداده‌ایم. ما جغرافیای فرهنگی بزرگی داریم که حاصلش در حوزه مطالعات زبان و فرهنگ پارسی کل‌بسته‌ها زند به اضافه ماوراءالنهر و خوارزم و سمرقند و بخارا و مرو و گرجه و خوقند و . . . را دربر می‌گیرد. چه کسی تاکنون از کاندیداهاى ریاست‌جمهوری پرسیده است برای استفاده از این فرصت چه برنامه‌یی دارد؟ چرا کاندیدای ریاست‌جمهوری ما می‌تواند این فرصت‌های منطقه‌یی یاد

می‌کند افغانستان و تاجیکستان و سرزمین‌های همجورمانده بخارا و سمرقند را نام نمی‌برد؟ به ویزولا و کره شمالی بیشتر توجه می‌شود، هرچند آنها هم در جای خودشان مهم هستند. اما این همسایه‌ها با ما خویشاوند هستند. اصلاً ما یکی بودیم. اگر این هویت‌ها تعریف بشود آن کارکردها را دارد. یکی از مشکلاتی که در نظرم این است که در نظر مردم ما قابل‌توجه نیست. حتی نظرسنجی‌هایی که انجام می‌شود اغلب پیش‌بینی نیست. حتی نظرسنجی‌هایی که انجام می‌شود اغلب جواب درستی نمی‌دهد. گاهی برعکس می‌شود. همین طور توفعات مردم متقاضی است و کسی هم که مسوول می‌شود یا سبلی از توفعات روبه‌رو نیست که معلوم نیست چنددر عملی باشد. در این زمینه شما چه تجربیاتی دارید؟

مشکل این است که مطالبات یکپارچه بیان می‌شود. به این راحتی حذف شدنی نیست چون کارکردش درمجموع مثبت است. وجود عاطفی‌اش ثابت می‌کند. اگر با نگاه منفی وارد این مناسبات شوی او هم انرژی منفی به تو می‌دهد. به محض اینکه با نگاه مثبت می‌روی باخوردند را می‌بینی. می‌توانی تغییر ایجاد کنی. می‌توانی اتفاقاً آنها هم عقب‌مانده و وابس‌گرا نیتند. زنان آنها کنار تک‌تک مردها می‌ایستادند کار می‌کردند، تصمیم می‌گرفتند. مناسبات فامیلی و عشیره‌یی نقش فردی‌راتا به رسمیت می‌شناخت، در عین حال در بزرگ کردن و مطرح کردن‌تأثیرگذار بود. اگر من تهران زندگی می‌کردم ممکن بود هیچ وقت به تلویزیون‌راه نمی‌یاقتم ولی به خاطر مناسبات آنجا در تلویزیون و رادیو برنامه اجرا کردم، شعر می‌خواندم.

فرد در آن مناسبات نقش وجودی می‌یابد. حس پیدا می‌کند. حتی پس از سال‌ها دوری از آن روابط با خودش را آنجا می‌یابد. قوم واقعیت دارد. اما یک واقعیت دیگر هم هست که در ایرانی در چارچوب چترافزای فرهنگی این سرزمین تصمیم می‌گیرم. ما تصمیم گرفته‌ایم و می‌خواهیم با هم باشیم. چون در دوره قاجار قبل از مشروطیت بهترین فرصت بود که هر کسی ساز خودش را بزند ولی نذیم. اشکال کار اینجاست که با وجود اینکه تصمیم گرفته‌ایم یکی باشیم نمی‌خواهیم برای تصمیم‌مان هزینه کنیم. وقتی می‌خواهیم رئیس‌جمهور انتخاب کنیم غلبه مطالبات قوم‌محور آتقدر زیاد مشکلی نیست. مناسبات قبیله‌یی و قومی به این راحتی حذف شدنی نیست چون کارکردش درمجموع مثبت است. وجود عاطفی‌اش ثابت می‌کند. اگر با نگاه منفی وارد این مناسبات شوی او هم انرژی منفی به تو می‌دهد. به محض اینکه با نگاه مثبت می‌روی باخوردند را می‌بینی. می‌توانی تغییر ایجاد کنی. می‌توانی اتفاقاً آنها هم عقب‌مانده و وابس‌گرا نیتند. زنان آنها کنار تک‌تک مردها می‌ایستادند کار می‌کردند، تصمیم می‌گرفتند. مناسبات فامیلی و عشیره‌یی نقش فردی‌راتا به رسمیت می‌شناخت، در عین حال در بزرگ کردن و مطرح کردن‌تأثیرگذار بود. اگر من تهران زندگی می‌کردم ممکن بود هیچ وقت به تلویزیون‌راه نمی‌یاقتم ولی به خاطر مناسبات آنجا در تلویزیون و رادیو برنامه اجرا کردم، شعر می‌خواندم.

فرد در آن مناسبات نقش وجودی می‌یابد. حس پیدا می‌کند. حتی پس از سال‌ها دوری از آن روابط با خودش را آنجا می‌یابد. قوم واقعیت دارد. اما یک واقعیت دیگر هم هست که در ایرانی در چارچوب چترافزای فرهنگی این سرزمین تصمیم می‌گیرم. ما تصمیم گرفته‌ایم و می‌خواهیم با هم باشیم. چون در دوره قاجار قبل از مشروطیت بهترین فرصت بود که هر کسی ساز خودش را بزند ولی نذیم. اشکال کار اینجاست که با وجود اینکه تصمیم گرفته‌ایم یکی باشیم نمی‌خواهیم برای تصمیم‌مان هزینه کنیم. وقتی می‌خواهیم رئیس‌جمهور انتخاب کنیم غلبه مطالبات قوم‌محور آتقدر زیاد مشکلی نیست. مناسبات قبیله‌یی و قومی به این راحتی حذف شدنی نیست چون کارکردش درمجموع مثبت است. وجود عاطفی‌اش ثابت می‌کند. اگر با نگاه منفی وارد این مناسبات شوی او هم انرژی منفی به تو می‌دهد. به محض اینکه با نگاه مثبت می‌روی باخوردند را می‌بینی. می‌توانی تغییر ایجاد کنی. می‌توانی اتفاقاً آنها هم عقب‌مانده و وابس‌گرا نیتند. زنان آنها کنار تک‌تک مردها می‌ایستادند کار می‌کردند، تصمیم می‌گرفتند. مناسبات فامیلی و عشیره‌یی نقش فردی‌راتا به رسمیت می‌شناخت، در عین حال در بزرگ کردن و مطرح کردن‌تأثیرگذار بود. اگر من تهران زندگی می‌کردم ممکن بود هیچ وقت به تلویزیون‌راه نمی‌یاقتم ولی به خاطر مناسبات آنجا در تلویزیون و رادیو برنامه اجرا کردم، شعر می‌خواندم.

فرد در آن مناسبات نقش وجودی می‌یابد. حس پیدا می‌کند. حتی پس از سال‌ها دوری از آن روابط با خودش را آنجا می‌یابد. قوم واقعیت دارد. اما یک واقعیت دیگر هم هست که در ایرانی در چارچوب چترافزای فرهنگی این سرزمین تصمیم می‌گیرم. ما تصمیم گرفته‌ایم و می‌خواهیم با هم باشیم. چون در دوره قاجار قبل از مشروطیت بهترین فرصت بود که هر کسی ساز خودش را بزند ولی نذیم. اشکال کار اینجاست که با وجود اینکه تصمیم گرفته‌ایم یکی باشیم نمی‌خواهیم برای تصمیم‌مان هزینه کنیم. وقتی می‌خواهیم رئیس‌جمهور انتخاب کنیم غلبه مطالبات قوم‌محور آتقدر زیاد مشکلی نیست. مناسبات قبیله‌یی و قومی به این راحتی حذف شدنی نیست چون کارکردش درمجموع مثبت است. وجود عاطفی‌اش ثابت می‌کند. اگر با نگاه منفی وارد این مناسبات شوی او هم انرژی منفی به تو می‌دهد. به محض اینکه با نگاه مثبت می‌روی باخوردند را می‌بینی. می‌توانی تغییر ایجاد کنی. می‌توانی اتفاقاً آنها هم عقب‌مانده و وابس‌گرا نیتند. زنان آنها کنار تک‌تک مردها می‌ایستادند کار می‌کردند، تصمیم می‌گرفتند. مناسبات فامیلی و عشیره‌یی نقش فردی‌راتا به رسمیت می‌شناخت، در عین حال در بزرگ کردن و مطرح کردن‌تأثیرگذار بود. اگر من تهران زندگی می‌کردم ممکن بود هیچ وقت به تلویزیون‌راه نمی‌یاقتم ولی به خاطر مناسبات آنجا در تلویزیون و رادیو برنامه اجرا کردم، شعر می‌خواندم.

فرد در آن مناسبات نقش وجودی می‌یابد. حس پیدا می‌کند. حتی پس از سال‌ها دوری از آن روابط با خودش را آنجا می‌یابد. قوم واقعیت دارد. اما یک واقعیت دیگر هم هست که در ایرانی در چارچوب چترافزای فرهنگی این سرزمین تصمیم می‌گیرم. ما تصمیم گرفته‌ایم و می‌خواهیم با هم باشیم. چون در دوره قاجار قبل از مشروطیت بهترین فرصت بود که هر کسی ساز خودش را بزند ولی نذیم. اشکال کار اینجاست که با وجود اینکه تصمیم گرفته‌ایم یکی باشیم نمی‌خواهیم برای تصمیم‌مان هزینه کنیم. وقتی می‌خواهیم رئیس‌جمهور انتخاب کنیم غلبه مطالبات قوم‌محور آتقدر زیاد مشکلی نیست. مناسبات قبیله‌یی و قومی به این راحتی حذف شدنی نیست چون کارکردش درمجموع مثبت است. وجود عاطفی‌اش ثابت می‌کند. اگر با نگاه منفی وارد این مناسبات شوی او هم انرژی منفی به تو می‌دهد. به محض اینکه با نگاه مثبت می‌روی باخوردند را می‌بینی. می‌توانی تغییر ایجاد کنی. می‌توانی اتفاقاً آنها هم عقب‌مانده و وابس‌گرا نیتند. زنان آنها کنار تک‌تک مردها می‌ایستادند کار می‌کردند، تصمیم می‌گرفتند. مناسبات فامیلی و عشیره‌یی نقش فردی‌راتا به رسمیت می‌شناخت، در عین حال در بزرگ کردن و مطرح کردن‌تأثیرگذار بود. اگر من تهران زندگی می‌کردم ممکن بود هیچ وقت به تلویزیون‌راه نمی‌یاقتم ولی به خاطر مناسبات آنجا در تلویزیون و رادیو برنامه اجرا کردم، شعر می‌خواندم.

فرد در آن مناسبات نقش وجودی می‌یابد. حس پیدا می‌کند. حتی پس از سال‌ها دوری از آن روابط با خودش را آنجا می‌یابد. قوم واقعیت دارد. اما یک واقعیت دیگر هم هست که در ایرانی در چارچوب چترافزای فرهنگی این سرزمین تصمیم می‌گیرم. ما تصمیم گرفته‌ایم و می‌خواهیم با هم باشیم. چون در دوره قاجار قبل از مشروطیت بهترین فرصت بود که هر کسی ساز خودش را بزند ولی نذیم. اشکال کار اینجاست که با وجود اینکه تصمیم گرفته‌ایم یکی باشیم نمی‌خواهیم برای تصمیم‌مان هزینه کنیم. وقتی می‌خواهیم رئیس‌جمهور انتخاب کنیم غلبه مطالبات قوم‌محور آتقدر زیاد مشکلی نیست. مناسبات قبیله‌یی و قومی به این راحتی حذف شدنی نیست چون کارکردش درمجموع مثبت است. وجود عاطفی‌اش ثابت می‌کند. اگر با نگاه منفی وارد این مناسبات شوی او هم انرژی منفی به تو می‌دهد. به محض اینکه با نگاه مثبت می‌روی باخوردند را می‌بینی. می‌توانی تغییر ایجاد کنی. می‌توانی اتفاقاً آنها هم عقب‌مانده و وابس‌گرا نیتند. زنان آنها کنار تک‌تک مردها می‌ایستادند کار می‌کردند، تصمیم می‌گرفتند. مناسبات فامیلی و عشیره‌یی نقش فردی‌راتا به رسمیت می‌شناخت، در عین حال در بزرگ کردن و مطرح کردن‌تأثیرگذار بود. اگر من تهران زندگی می‌کردم ممکن بود هیچ وقت به تلویزیون‌راه نمی‌یاقتم ولی به خاطر مناسبات آنجا در تلویزیون و رادیو برنامه اجرا کردم، شعر می‌خواندم.

خبر

تذکر هاشمی شاهرودی به کاندیداها

رئیس قوه قضائیه خواستار پرهیز کاندیداهای انتخاباتی از زیر پا گذاشتن اخلاق و منش اسلامی در تبلیغات انتخاباتی شد و گفت: نسبت جرم دادن به افراد حقیقی در رسانه‌های عمومی قابل پیگیری و جرم است و از کاندیداهای محترم درخواست می‌کنیم در فرصت باقیمانده در رسانه ملی به تبلیغات قانونی و اخلاق محور توجه کنند. به گزارش ایسنا آیت‌الله هاشمی شاهرودی در جلسه دیروز مسولان عالی قضایی حضور و مشارکت حدکاشری مردم در انتخابات ریاست‌جمهوری را بزرگ دیگری از افتخارات نظام جمهوری اسلامی برشمرد و گفت: «با توجه به حساسیت و هویشیاری همیشگی आम مردم نسبت به سرنشت و آینده کشور و نظام اسلامی، قطعاً در روز جمعه ۲۲ خرداد انتخابات شگوهمند دیگری شکل خواهد گرفت. رئیس قوه قضائیه افزود: الحمدلله کارنامه نظام مقدس جمهوری